

# جرم، دادرسی، مجازات

عباس عبدی\*

## مقدمه

وضعیت قضایی و دادرسی امروز جامعه ایران به گونه‌ای است که کمتر کسی، از حکومت‌کننده تا حکومت‌شونده و از موافق تا مخالف حکومت، از آن رضایت دارد (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۴: ۱۱۵). تعداد بسیار زیاد مراجعه برای دادرسی به دادگستری حاکی از وقوع اختلافات زیاد در جامعه است. اطلاق عنوان «مجرمانه» به تعداد زیادی از رفتارها، بالا بودن شمار زندانیان نسبت به جمعیت کشور، خشونت‌آمیز بودن مجازات‌ها همچون سنگسار، پرتاب از کوه، شلاق و اعدام، بالا بودن رتبه در تعداد اعدامی‌ها، و موقتی بودن قوانین کیفری و دادرسی و تصویب نشدن آنها در مجلس که عموماً ناشی از فقدان سیاست کیفری روشن و تعریف شده است از موارد دیگر این نارضایتی است. از سوی دیگر، روند جاری نیز نشان از بهبود وضعیت ندارد (نک. جداول آماری این گزارش). مجموعه این شرایط پرسش‌هایی را مطرح می‌سازد.

چرا میزان مراجعه مردم برای دادرسی زیاد است و روند رو به تزایدی هم داشته است؟ چرا تعداد و نسبت مجرمان و پرونده‌های کیفری در ایران تا این حد بالاست؟ آیا اعمال مجازات‌های خشن در کاهش جرایم مؤثر بوده است؟ آثار و تبعات اعدام در کاهش یا افزایش جرم چیست؟ آیا سیاست کیفری مناسبی در دست پیگیری و اجرا هست؟ نظام حقوقی کنونی از چه فلسفه‌ای تبعیت می‌کند و چه نقشی در بروز این شرایط دارد؟ روند تغییر وضعیت قضایی و دادرسی در دهه هشتاد خورشیدی چگونه بوده است؟ چشم‌انداز

آینده جامعه ایران در صورت ادامه این روند چه خواهد بود؟ وضعیت قضایی جامعه ایران در مقایسه با سایر جوامع جهان چگونه است؟ چنین پرسش‌هایی وجود دارد و در این گزارش سعی می‌شود پاسخ‌هایی، هرچند خلاصه و اجمالی، برای برخی از آنها ارائه شود.

## ۱. تعاریف

### ۱.۱. جرم

تعریف جرم در هریک از مکتب‌های حقوقی — فطری، تاریخی، تجربی، اجتماعی یا تحلیلی — متفاوت است (کاتوزیان، ۱۳۶۵)، اما در مطالعه حاضر باید تعریف تحقق از جرم را ملاک قرار داد که مبتنی بر پذیرش حقوق موضوعه است. بر این اساس، جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون آن را ممنوع کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲ از مبحث اول). قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود (همان، ماده ۱ از مبحث دوم).

### ۲.۱. پرونده‌های قضایی

هر موضوع کیفری، حقوقی یا مدنی که در دادگستری طرح شود یک پرونده شناخته خواهد شد. این پرونده‌ها برحسب انواع مذکور و نیز عناوین جزئی‌تر تفکیک و طبقه‌بندی می‌شوند، اما آمار دادگستری برحسب پرونده‌های وارده و به‌خصوص مختومه است. به عبارت دیگر، هر پرونده‌ای که به شعبه قضایی وارد می‌شود باید رسیدگی و پس از ختم رسیدگی در هر مرحله مختومه گردد، اما ممکن است در مسیر رسیدگی از مرحله اولیه بازپرسی تا دادگاه

بدوی و تجدید نظر و... در آمار چندین شعبه وارده و مختومه محاسبه شود. برخی از پرونده‌های کیفری در مرحله بازپرسی مختومه می‌شوند (به دلیل تبرئه یا سازش و...)، برخی دیگر به مرحله دادرسی اولیه می‌رسند، برخی به مرحله تجدید نظر هم می‌رسند، و ممکن است تعدادی پس از بررسی در سطوح بالاتر برای رسیدگی به شعب دیگر ارجاع شوند، اما می‌توان گفت که هر پرونده به طور متوسط دو بار در مراحل مختلف دادرسی وارده و مختومه می‌شود هرچند اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود ندارد.

### ۳.۱. مجازات

اقدامات قانونی که به حکم قانون علیه مجرم در نظر گرفته شود مجازات نام دارد. در قانون مجازات اسلامی، انواع مجازات در نظر گرفته شده است. حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده پنج نوع مجازات هستند (ماده ۱ از مبحث اول، فصل دوم) که زندان نوع خاصی از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده و نیز بازداشت احتیاطی متهم است، و مهم‌ترین و رایج‌ترین مجازات در کشور به شمار می‌رود.

### ۲. رویکرد نظری: جرم و توسعه

از وقتی که تجمعات انسانی از شکار و گردآوری دانه گامی پیش نهادند و وارد عصر کشاورزی شدند، اختلاف نیز جزئی از زندگی آنان شد. محدود بودن منابع و نامحدود بودن امیال و آرزوها و شکاف ناگزیر میان این دو، منشأ شکل‌گیری اختلاف و منازعه بود. اما جامعه برای بقای خود به نظم و قاعده‌مند کردن این اختلافات نیاز داشت، و از همین جا قدرت سیاسی شکل گرفت، قدرتی که ضوابطی را برای رفتار و تعامل افراد تحت امر خود وضع و آن ضوابط را مبنای حق و عدالت تعریف کرد و خاطیان از آنها را کیفر می‌داد. از اینجا بود که گروهی خاص به نام قضات برای اجرای این ضوابط و تعیین و اعمال حق و کیفر تعیین شدند. در مراحل پیشرفت و توسعه یافتگی جوامع، بر استقلال و تفکیک دستگاه قضایی از سایر قوا به عنوان شرط و زمینه ضروری برای تحقق عدالت تأکید شد (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

برقراری نظم اجتماعی و رعایت ضوابط و قواعد اجتماعی به دو شیوه که مکمل یکدیگرند محقق می‌شود. از یک سو، افراد جامعه باید به نحوی اجتماعی شوند که، ضمن درونی کردن ارزش‌ها و

ضوابط و اخلاقیاتی که معرف و لازمه نظم اجتماعی مورد نظرند، نوعی نظارت درونی را بر رفتار خود در جهت هم‌نواپی با این نظم اجتماعی بپذیرند. از سوی دیگر، برای اعمال مجازات‌های رسمی و غیررسمی بر افرادی که از هنجارها و قواعد اجتماعی تخطی می‌کنند، نظارت بیرونی نیز لازم است (دورکیم، ۱۳۸۱). اگر این نظارت از طرف مردم باشد، غیررسمی است و خاطی با مجازات‌های غیررسمی از جمله طرد اجتماعی مواجه می‌شود. اما اگر نظارت را قدرت مشروع اعمال کند، خاطی را مجرم خطاب می‌کند و برای او مجازات رسمی در نظر می‌گیرد.

هر جامعه‌ای دارای ارزش‌ها و هنجارها و قواعد و نیز شیوه‌ها و نهادهای نظارتی خاص خود است. هنگامی که جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد، مجموعه این عناصر نیز دچار تغییر و تحول می‌شوند. توسعه که افزایش توان تولید، شهری شدن، ارتقای سطح تحصیلات، تغییر ابزارها و شیوه‌های ارتباطی مردم، تقسیم کار اجتماعی، تغییر ساختار و نقش خانواده و زنان، تغییر شیوه تولید، رشد و جابه‌جایی‌های وسیع جمعیت و... را به همراه دارد، موجب می‌شود که جامعه نظم و ارزش‌ها و قوانین و قواعد و هنجارهای جدیدی را طلب کند، همچنین شیوه‌های نظارتی و نحوه اجتماعی کردن در نظام سنتی کارآمدی خود را از دست بدهد. در این جامعه، آمال و آرزوها دچار تغییرات شدیدی می‌شوند، و پایگاه‌ها و نقش‌های تعریف‌شده اجتماعی افراد با جامعه سنتی متفاوت خواهد شد. امکانات نیز برای برآوردن این آمال و آرزوها بیشتر می‌شود. اما اگر متناسب با تغییرات اساسی ایجادشده، ارزش‌ها و هنجارهای جدید تعریف و سپس درونی نشوند یا اجتماعی شدن افراد به نحو مطلوب انجام نشود، و نهادهای نظارتی رسمی و غیررسمی برای کنترل فرد شکل نگیرد، در این صورت شاهد از میان رفتن نظم و ظهور نابسامانی اجتماعی خواهیم بود (همان). در این شرایط، روابط و تعامل‌های اجتماعی و میان‌فردی به درستی شکل نمی‌گیرد و تخطی از قواعد اعلان‌شده رسمی و غیررسمی زیاد خواهد بود. بروز ناهنجاری‌های رفتاری و جرم عمدتاً ناشی از یک یا چند عامل از عوامل زیر است:

- هنگامی که شکاف میان آرزوها و امیالی که تبلیغ و ترویج می‌شود و امکانات دستیابی به آنها زیاد شود؛
- هنگامی که افراد جامعه به نحو مطلوب اجتماعی نشوند، و

دادگستری داریم.<sup>۱</sup>

**جدول ۱.** تعداد پرونده‌های وارده و مختومه در دادگستری‌های کل کشور (۱۳۸۶-۱۳۷۸)

| سال  | پرونده‌های وارده<br>(هزار پرونده) | پرونده‌های مختومه<br>(هزار پرونده) |
|------|-----------------------------------|------------------------------------|
| ۱۳۷۸ | ۳۹۶۹                              | ۴۳۷۶                               |
| ۱۳۷۹ | ۴۳۹۴                              | ۴۷۵۸                               |
| ۱۳۸۰ | ۵۰۸۹                              | ۵۲۹۵                               |
| ۱۳۸۱ | ۵۵۶۵                              | ۶۰۹۸                               |
| ۱۳۸۲ | ۵۱۵۷                              | ۵۷۹۹                               |
| ۱۳۸۳ | -                                 | ۴۲۳۷                               |
| ۱۳۸۴ | -                                 | ۳۲۵۰                               |
| ۱۳۸۵ | -                                 | ۳۲۱۸                               |
| ۱۳۸۶ | -                                 | ۳۱۷۲                               |

منبع: ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲: دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳

۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، جدول ۲-۱۳

در صورتی که هر پرونده به طور متوسط دو بار در آمار ورود و خروج شعب ثبت شده باشد، سالانه حدود ۴ میلیون مراجعه به دادگستری صورت می‌گیرد، و اگر هر پرونده را حداقل دارای دو ذی‌نفع بدانیم، می‌توان گفت که سالانه حدود ۸ میلیون نفر درگیر پرونده‌های قضایی هستند و این رقم اندکی کمتر از نیمی از ۱۸ میلیون خانوار کشور است؛ به عبارت دیگر، به طور متوسط هر دو خانوار ایرانی سالانه درگیر یک پرونده قضایی می‌شود.

کاهش آمار پرونده‌های رسیدگی‌شده از سال ۱۳۸۲ به بعد به دلیل شکل‌گیری و تأسیس شوراهای حل اختلاف و درج نشدن آمار این شوراها در آمار فوق است. به طور مشخص، تخلفات راهنمایی و رانندگی، امور خلاقی، پرونده‌های شهرداری و برخی دیگر از این نوع پرونده‌ها به شوراهای حل اختلاف ارجاع شده است. در عمل، صلاحیت این شوراها و موارد ارجاعی به آنها گسترش یافت، به طوری که تعداد آنها در سال ۱۳۸۷ به حدود ۲۴۳۶۵ واحد رسید که

- با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی همنوایی نشان ندهند؛
- هنگامی که هنجار قانون، به دلایل متعدد، متناسب با وضعیت اجتماعی تدوین و تصویب نشود یا آگاهی کافی از آن وجود نداشته باشد؛
  - هنگامی که ناکارآمدی و فساد نیز یکی از اجزای مرجع رسیدگی به تظلمات و دادخواهی شود؛
  - هنگامی که نهادهای حل اختلاف عرفی و سنتی تضعیف شوند و نهادهای مدرن نیز جانشین آنها نشوند؛
  - هنگامی که نهادهای نظارتی غیررسمی مثل رسانه‌ها، مطبوعات، احزاب، انجمن‌ها ضعیف و ناکارآمد باشند؛
  - هنگامی که نهاد نظارت رسمی نیز وجاهت و اعتبار خود را از دست داده باشد؛
  - هنگامی که توازن کافی میان انواع نهادهای نظارتی رسمی و غیررسمی به وجود نیاید (عبدی و کلهر، ۱۳۸۸).

در ادامه و در ذیل توضیح هریک از موارد پرونده‌های قضایی و جرم و مجازات، حتی‌المقدور و به تناسب، به برخی از این عوامل اشاره خواهد شد.

### ۳. وضعیت در ایران

از آنجا که نه دسترسی به آمار قضایی و کیفری در ایران آسان و نه آمارها به‌روز است، همچنین بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده در اجرا با اشکالات فراوان مواجه می‌شوند، می‌توان با استفاده از اطلاعات در دسترس، تصویری اجمالی و اولیه از وضعیت موجود ارائه کرد.

#### ۱.۳. پرونده‌های قضایی

میزان مراجعه به مراجع رسمی برای طرح دعوا و حل اختلاف (اعم از مدنی، حقوقی، کیفری) در جامعه ایران به شدت بالاست. گرچه آمار به‌روز رسمی و کامل به‌ویژه از دادسراها و دادگاه‌های انقلاب منتشر نمی‌شود، اظهارات کلی مقامات قضایی کشور تاحدودی وضعیت دادرسی را در کشور روشن می‌کند. رئیس قوه قضاییه در سال ۱۳۸۶ اعلان کرد که سالانه ۸ میلیون پرونده وارده به

۱. منبع:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100952885791>

(April 2010)

جالب اینکه به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور، این تعداد در سال ۱۳۸۹ به ۱۱ میلیون افزایش یافته است.

(منبع: <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=125948> (April 2010))

۶۲ درصد شهرها و ۳۲ درصد روستاها را پوشش می‌داد،<sup>۱</sup> هرچند ممکن است برخی از آنها کاملاً دایر و فعال نشده باشند.

## جدول ۲. پرونده‌های وارده به شوراهای حل اختلاف (۱۳۸۲-۱۳۸۷)

| سال  | تعداد (هزار پرونده) |
|------|---------------------|
| ۱۳۸۲ | ۳۹۳                 |
| ۱۳۸۳ | ۱۳۷۶                |
| ۱۳۸۴ | ۳۶۳۷                |
| ۱۳۸۵ | ۴۲۵۳                |
| ۱۳۸۶ | ۴۶۱۳                |
| ۱۳۸۷ | ۵۹۸۷                |

مشاهده می‌شود که کاهش آمار پرونده‌های دادگستری‌های کشور از سال ۱۳۸۲ به بعد معلول انتقال بخشی از این پرونده‌ها به شوراهای حل اختلاف است. اگر تعداد پرونده‌های این شوراهای را هم به آمار دادگستری‌ها اضافه کنیم، شمار پرونده‌های وارده از ۸ میلیون پرونده در سال که برآورد و اعلان شده بود تجاوز می‌کند. افزایش شدید تعداد پرونده‌های این شوراهای حل اختلاف می‌شود که مأموریت آنها در عمل تغییر یافت و شوراهایی که قرار بود مسائل را کدخدامنشانه و از طریق داوری حل کنند، وارد رسیدگی و صدور حکم شدند و بخش‌هایی از صلاحیت دادگستری به آنها تعلق گرفت. البته مراحل رسیدگی در شوراهای حل اختلاف ساده‌تر و فارغ از مقررات پیچیده و زمان‌بر آیین دادرسی است، و این خود گامی به پیش است. همچنین این شوراهای عهده‌دار رسیدگی به بخشی از امور غیرقضایی شده‌اند که بر دوش دستگاه قضایی بار شده بود. آنها صلح و سازش را به عنوان یک روش حل اختلاف ترویج کرده‌اند (شریف‌باقری، ۱۳۸۷). البته پیش از آن نیز در برنامه سوم توسعه بر مسئله دادرسی در حل اختلافات تأکید شده بود (ماده ۱۸۹ از فصل ۲۴ قانون برنامه سوم)، چرا که شیوه دادرسی در جلب رضایت طرفین دعوا مؤثرتر از عدالت خشک حقوقی محاکم دادگستری است.

این وضعیت نه تنها ناشی از بحران در حال گذار بودن جامعه ایران و از میان رفتن نظم سنتی و عدم جایگزینی مناسب نظم مدرن است، بلکه از مشکلات قانونی هم متأثر است زیرا از یک سو

امور مختلفی به دستگاه قضایی و دادگستری محول شده است که لزوماً امور قضایی نیستند، یا حداقل در مراحل اولیه رسیدگی وجه قضایی ندارند، و از سوی دیگر رفتارهای بسیاری در قوانین ایران جرم تلقی شده است و ارتکاب آنها موجب رسیدگی قضایی و، در صورت اثبات، اعمال مجازات است. از این رو، برای مقابله با این وضعیت، دستگاه قضایی لوایحی را به دولت و مجلس ارائه کرده که سال‌ها در مسیر طولانی تصویب معطل مانده‌اند. لوایحی همچون لایحه اصلاح تشکیلات قضایی که یکی از اهداف آن جبران اشکالات قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب است که در سال ۱۳۷۲ تصویب و منجر به حذف دادسراها و دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و حقوقی ۱ و ۲ و مدنی خاص شد. لایحه پیشگیری از وقوع جرم، لایحه قضا‌دایی، لوایح حمایت از کودکان و نوجوانان و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، و لایحه حمایت از بزه‌دیدگان نیز از این جمله‌اند. گرچه چنین لوایحی تهیه و برای تصویب ارائه شده است، اما مطالعه جزئیات آنها نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نویسندگان لایحه نتوانسته‌اند از چارچوب‌های محدود موجود فراتر روند و تصور نمی‌رود که با تصویب آنها نیز تغییر چشمگیری در وضع موجود ایجاد شود.<sup>۲</sup>

## ۲.۳ جرم

بخش مهمی از پرونده‌های تشکیل شده در دادگستری‌های کشور پرونده‌های کیفری هستند. برای نمونه، در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲، پرونده‌های کیفری ۷۱ درصد کل پرونده‌ها را تشکیل می‌داد (دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳) که در این میان، آمار ایراد ضرب و جرح، کشیدن چک بلامحل، و رانندگی بدون گواهینامه بیش از سایر موارد بوده است چنانکه در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، این سه جرم حدود ۲۴ درصد کل موارد را شامل شده‌اند.<sup>۳</sup> جالب اینکه این سه هریک معرف یک وجه از رفتار نظم یا در واقع بی‌نظمی اجتماعی هستند.

۲. برای اطلاع از این لوایح و وضعیت آنها می‌توان به سایت قوه قضاییه (<http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=74>) و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس ([http://rc.majlis.ir/fa/legal\\_draft](http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft)) مراجعه کرد.

۳. در آمارهای رسمی، جرایمی که در دادسراهای انقلاب رسیدگی می‌شوند ذیل عنوان «سایر» طبقه‌بندی می‌شوند که آمار آن بالاست اما به صورت تفکیکی در دسترس نیست. بنابراین ممکن است موارد مربوط به مواد مخدر از هر سه مورد فوق بیشتر باشد، اما چون آمار رسمی اعلان نمی‌شود، نمی‌توان چنین ادعایی را مطرح کرد.

در صورتی که سهم پرونده‌های کیفری را از کل پرونده‌های دادگستری در حال حاضر هم همان ۷۰ درصد و سهم پرونده‌های شوراهای حل اختلاف را حداقل ۵۰ درصد فرض کنیم، تعداد پرونده‌های کیفری در سال ۱۳۸۷ حدود ۵ میلیون خواهد بود که نسبت به جمعیت و تعداد خانوارهای کشور بسیار زیاد است. همچنین اگر بالا بودن تعداد پرونده‌ها را نشانه‌ای از پیگیری نشدن و عدم ارجاع موارد مشابه دیگری هم بدانیم، چنین نتیجه خواهد شد که به طور متوسط، به ازای هر سه تا چهار خانوار، سالانه یک نفر درگیر پرونده‌های کیفری می‌شود که رقم بزرگی است.

یکی از مهم‌ترین جرایم در ایران که تبعات اجتماعی زیادی دارد، جرایم مرتبط با مواد مخدر است. حدود نیمی از زندانیان کشور را متهمان و محکومان این جرایم تشکیل می‌دهند. یکی از مشخصه‌های مهم وضعیت و روند این جرایم مقدار مواد مخدر کشف شده از قاچاقچیان در کشور است. در سال ۱۳۸۰، جمعاً ۱۱۲ تن انواع مواد مخدر کشف شد. این رقم در سال ۱۳۸۶، حدوداً ۴ برابر شد و به ۴۱۶ تن رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، جدول ۱۲-۱۳). چنین افزایشی ممکن است، بجز بالا رفتن میزان مصرف در داخل کشور، ناشی از رشد بازار ترانزیت یا کارآمدی نیروی انتظامی در کشف مواد نیز باشد.

وقوع این تعداد پرونده کیفری و جرم در ایران، سوای دلایل پیش گفته در مورد دادرسی، ناشی از فلسفه حقوقی حاکم بر ذهنیت قانونگذاران در ایران است، ذهنیتی که منجر به تضادهای عجیبی شده است. در ایران کنونی، قانونگذاری کیفری مبتنی بر دو وجه است. از یک سو، جرم را در قالب‌های ثابت حدود و قصاص و دیات تعریف و رفتارهای خاصی را، به طور ازلی و ابدی و فارغ از محیط اجتماعی، جرم تلقی و برای آنها مجازات ثابت تعیین می‌کنند به قسمی که حتی شیوه‌های اثبات آن جرایم نیز تغییری نکرده است. از سوی دیگر، جرایم تعزیری را داریم که عمدتاً معطوف به نظم اجتماعی است، اما این جرایم نیز عمدتاً براساس نگرشی نامتناسب با مقتضیات جوامع مدرن تعریف می‌شوند. ویژگی عمده این جرایم آن است که هر انحرافی به سرعت در قالب بزه تعریف و طبعاً وظیفه مقابله با آن نیز به عهده دولت و حکومت گذاشته می‌شود که این امر به تضعیف حساسیت پاسخ اجتماعی می‌انجامد. به طور کلی، دو نگرش اصلی را در این زمینه می‌توان از یکدیگر تمییز داد. نگرش اول می‌کوشد که انحراف‌ها را حتی‌المقدور بزه تلقی کند و

پاسخ دولتی برای آن در نظر بگیرد، در حالی که نگرش دوم بر آن است که حتی‌المقدور جرایم و بزه را انحراف به شمار آورد و پاسخ اجتماعی برای آن منظور دارد (میری دلماس، ۱۳۸۱). در نگرشی که گناه برابر با جرم تلقی می‌شود، مرزی میان انحراف و بزه مشاهده نخواهد شد و هر انحرافی بزه شمرده می‌شود و مستوجب مجازات رسمی خواهد بود.

یک پایه فلسفه تقنین در ایران کنونی عموماً مبتنی بر نگرش اول است و پایه دیگر آن مبتنی بر نگرش ازلی و ابدی بودن جرم و مجازات و استقلال مفهوم آن از محیط اجتماعی. این نگرش در آخرین لایحه قانون مجازات اسلامی، که تدوین و برای تصویب به مجلس ارائه شده، تشدید هم شده است و در آن، رفتارهایی جرم تلقی شده که به لحاظ عرف اجتماعی چالش برانگیز است. از جمله برای ارتداد، که بعد از انقلاب در قوانین جزایی مسکوت مانده بود، در لایحه پیشنهادی اخیر مجازات اعدام منظور شده است (ماده ۲-۲۱۲ از لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی).

ترکیب این دو نگرش با واقعیت‌های اجتماعی تطابق ندارد؛ در نتیجه، نظام قانونگذاری کیفری دچار اختلال شده است چرا که قانون مجازات، که یکی از قوانین مادر در هر جامعه‌ای است، بارها به صورت آزمایشی اجرا شده و از تصویب مجلس نگذشته بلکه با استناد به اصل ۸۵ مورد تصویب کمیسیون خاصی قرار گرفته است. نه تنها این قانون ماهوی مهم به صورت آزمایشی اجرا شده، بلکه قانون شکلی آن یعنی آیین دادرسی کیفری نیز دچار همین اشکال شده است. آخرین قانون مربوط به این موضوع در سال ۱۳۷۸ تصویب و سه سال به صورت آزمایشی اجرا شد. سپس در سال ۱۳۸۱ برای یک سال و در ۱۳۸۲ به مدت دو سال دیگر تمدید شد. این روند ادامه یافت و در سال ۱۳۸۶ نیز مجدداً اجرای آزمایشی آن دو سال دیگر تمدید شد. در این سال قوه قضاییه لایحه‌ای را برای تصویب نهایی به دولت داد که ۱۴ ماه در دولت معطل ماند و در نهایت آن را با قید یک فوریت برای تصویب به مجلس داد که برحسب نظر نمایندگان تحت رسیدگی عادی قرار گرفت. با تمدید مجدد اجرای آزمایشی، این قانون تا پایان سال ۱۳۸۸ اجرا شد، اما از ابتدای سال ۱۳۸۹ فاقد قانون آیین دادرسی کیفری شدیم! لذا در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۹ رئیس قوه قضاییه از رهبری درخواست کرد که

اجرای آزمایشی قانون سابق تا اطلاع ثانوی تمدید گردد!<sup>۱</sup> اختلال در سازوکار قوانین کیفری ایران به گونه‌ای است که اگر دقیق و کامل اجرا شود، سالانه هزاران حکم اعدام صادر و اجرا خواهد شد و صدها هزار نفر به شلاق محکوم خواهند شد اما قضات، طبق قاعده‌ای نانوشته، احکام را به صورت‌های دیگری صادر می‌کنند.

بالا بودن شاخص و آمار جرم در ایران (نک. مبحث «مقایسه با سایر کشورها») دلایل متعددی دارد، اما تفکیک صوری وظایف سه قوه و بار کردن مسئولیت مربوط به جرایم بر دوش قوه قضاییه، در حالی که فاقد ابزار کافی برای ایفای این مسئولیت است و به معنای دقیق هم جزو وظایف آن نیست، موجب شده که رسیدگی به مسائل جرم و مجازات فاقد متولی مشخص و ابزار و امکانات لازم باشد. از این رو، قوه قضاییه لایحه‌ای با عنوان «پیشگیری از وقوع جرم» تهیه و ارائه کرده است تا به نوعی رؤسای سه قوه را درگیر مسئله کند، اما هنوز رسیدگی و تصویب نهایی نشده است.

مشکل دیگری که برخی مسئولان قضایی بر آن تأکید می‌کنند وجود عناوین مجرمانه متعدد در قوانین کیفری ایران است. به همین دلیل لایحه‌ای با عنوان «قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین» تهیه و برای تصویب نهایی به مجلس داده‌اند.<sup>۲</sup> در این لایحه کوشیده‌اند برخی رفتارها را که شدت آسیب آنها کم است یا ارزش نقض شده آنها از اهمیت بالایی برخوردار نیست و رسیدگی به آنها با روش‌های دیگر هم امکان‌پذیر است از حوزه مفهومی جرم و رسیدگی قضایی خارج کنند. در لایحه مذکور، جرایم شش حوزه محیط زیست و امور پزشکی و بهداشتی، امور اقتصادی و بازرگانی، کار و امور اجتماعی، حمل و نقل، نظام مهندسی، و ثبت اسناد و املاک از شمول رسیدگی قضایی خارج و به هیئت‌های ویژه دولتی محول شده است. اما تصویب این لایحه احتمالاً نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند که موجب تشدید آنها هم می‌شود. اصولاً باید میان دو مقوله وقوع جرم و رسیدگی به آن تفکیک قایل شد. این لایحه موجب کاهش وقوع جرم نخواهد شد، بلکه صرفاً جرایمی را از آمار دادگستری خارج و رقم تعداد پرونده‌های کیفری را کم می‌کند. از

سوی دیگر، نظام اداری فاسد و غیرمستقل از مدیریت‌های مافوق قادر نیست که منصفانه به جرایم و تخلفات حوزه‌های شش‌گانه فوق رسیدگی کند، ضمن اینکه در بسیاری از موارد، دولت مستقیماً متهم اصلی در این گونه جرایم است. به علاوه، در ایران، ضمانت اجراهای غیرکیفری محدود است و نمی‌تواند به طور جدی مانع از بروز جرم شود. مهم‌تر از همه اینکه خارج کردن این موارد از رسیدگی قضایی و کم‌ارزش جلوه دادن تخلفات و جرایم در این حوزه‌ها ناشی از ذهنیت سنتی حاکم بر فلسفه تقنینی موجود است زیرا با توسعه و رشد جوامع، حوزه‌های شش‌گانه فوق اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و نقض قواعد رفتاری در این زمینه‌ها در جامعه حساسیت بیشتری ایجاد می‌کند. بنابراین، ارائه چنین لایحه‌ای هم به لحاظ شکلی (رسیدگی در هیئت‌های اداری) و هم به لحاظ ماهوی گامی به عقب محسوب می‌شود.

### ۳.۳. مجازات

بالا بودن آمار و شاخص‌های جرم طبعاً به مفهوم بالا بودن آمار و شاخص‌های مجازات نیز هست، و آمار مربوط به زندان به عنوان مهم‌ترین شیوه مجازات در ایران نیز بیانگر این واقعیت است. به گفته مسئولان سازمان زندان‌ها، در سال ۱۳۸۸ حدود ۴۵۰ هزار نفر وارد زندان‌های کشور شدند.<sup>۳</sup> این رقم چند سال پیش حدود ۶۰۰ هزار نفر بود و سیاست‌های زندان‌زدایی سال‌های اخیر به کاهش آن منجر شده است. در دی ماه ۱۳۸۸، تعداد زندانیان کشور ۱۷۳۹۶۱ نفر بوده است<sup>۴</sup>، یعنی به ازای هر ۴۰۰ نفر از جمعیت، یک زندانی وجود داشته است. اما مهم‌ترین ویژگی مجازات در ایران شدت خشونت آن است که حساسیت افکار عمومی داخلی و جهانی را برمی‌انگیزد. اعمال مجازات شلاق برای بسیاری از جرایم، مجازات‌هایی چون رجم، صلب، قطع دست و پا، پرتاب کردن از کوه، قصاص اعضای بدن، و بالاخره اعدام، به‌ویژه اجرای برخی از این مجازات‌ها در ملأ عام، کیفرهای جرایم را در ایران بسیار خشن جلوه‌گر ساخته است. هرچند بسیاری از این مجازات‌ها در عمل اجرا

۳. روزنامه بهار، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، به نقل از مدیر کل سازمان زندان‌های کشور.

۴. سایت سازمان زندان‌ها (www.prisons.ir). متأسفانه بسیاری از آمارهای مذکور که از سایت سازمان زندان‌ها اخذ شده است، در مراجعه‌های اخیر به این سایت قابل دسترسی نیست.

1. <http://vakilroaya.com/author-vakilroaya.aspx?p=2> (May 2010)

۲. رک. سایت خانه ملت (www.icana.ir).

است.

بالا بودن آمار تعداد زندانیان نیز مشکل دیگر نظام کیفری ایران است، و این واقعیت با فلسفه حاکم بر نظام کیفری در تضاد است زیرا مطابق این فلسفه، مجازات‌ها از فقه اسلامی نشئت می‌گیرد و در فقه نیز مجازات زندان اندک و در موارد کاملاً خاص است، در حالی که در نظام کیفری کنونی، زندان وجه غالب مجازات است. برای کاهش این نوع مجازات نیز لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان ارائه شده است که در صورت اجرا و تعمیم به جرایم سبک و حتی نیمه‌سبک می‌تواند تاحدی تعدیل‌کننده تعداد زیاد زندانیان باشد.

### ۴.۳. وضعیت کودکان

اولین و مهم‌ترین مشکلی که در خصوص وضعیت کودکان در امور کیفری وجود دارد، مسئله سن مسئولیت کیفری است. مطابق قواعد بین‌المللی که ایران هم التزام به آنها را پذیرفته است، سن مسئولیت کیفری برای دختر و پسر ۱۸ سال است. از این سن کمتر (تا ۱۵ و بعضاً تا ۱۲ سال)، مسئولیت نسبی پذیرفته شده است و از سن ۱۲ سال کمتر (این رقم متغیر است) مسئولیت کیفری متوجه کودک نیست. اما در نظام کیفری ایران، سن مسئولیت کیفری در بسیاری از جرایم سن بلوغ شرعی تعریف شده است که برای دختران ۹ سال تمام قمری (۸ سال و ۹ ماه خورشیدی) و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری (۱۴ سال و ۷ ماه خورشیدی) است. این مقطع سنی حد وسط ندارد، یعنی یا کودک فاقد مسئولیت کیفری است یا با گذشتن از مقطع مورد نظر، مسئولیت تمام و کامل دارد. به همین دلیل بسیاری از کودکان زیر ۱۸ سال نیز مشمول مجازات‌های اعدام به‌ویژه در زمینه قصاص می‌شوند، گرچه دستگاه قضایی در عمل می‌کوشد که زمان اجرای حکم اعدام را به بعد از ۱۸ سالگی موکول کند. مطابق هیچ معیار عقلی و حتی عرفی نمی‌توان پذیرفت که دختر ۹ ساله (در واقع ۸ سال و ۹ ماه) که بالغ شرعی شناخته می‌شود، به لحاظ کیفری نیز مسئولیت کامل داشته باشد. به همین دلیل، برخلاف قاعده کلی حاکم بر نظام کیفری، کوشیده‌اند که در قوانین جدید مواردی را در دادرسی کیفری برای کودکان زیر ۱۸ سال لحاظ کنند، از جمله اینکه محل نگهداری آنها دارالتأدیب و نه زندان باشد و دادگاه‌های آنان از آیین دادرسی خاصی پیروی کنند، و نیز در جرایم تعزیری، سن مسئولیت

نمی‌شوند یا به‌ندرت دیده می‌شوند، مجازات اعدام، اعم از قصاص نفس یا اعدام‌های دیگر، شیوع فراوانی دارد به طوری که پس از چین، ایران بیشترین تعداد مجازات اعدام سالانه را دارد. در سال ۲۰۰۹، حداقل ۳۸۸ مورد اجرای حکم اعدام اعلام شده است که بیش از نیمی از کل اعدام‌های آن سال را در جهان تشکیل می‌دهد که (بدون لحاظ کردن تعداد اعدام‌های چین) ۷۱۴ مورد بوده است.<sup>۱</sup> اکثر اعدام‌ها به دلیل قصاص نفس و جرایم مواد مخدر است، اما از آنجا که جرایم بسیاری مشمول مجازات اعدام می‌شوند (از جرایم جنسی و ارتداد گرفته تا جرایم سیاسی و نظامی) بخشی از اعدام‌شدگان نیز به جرایمی جز قصاص نفس و قاچاق مواد مخدر اعدام می‌شوند.

شیوه و میزان مجازات همچون اصل جرم در جامعه ایران با چالش جدی مواجه است. تعیین نوع مجازات از یک سو مبتنی بر نگرش تغییرناپذیری دینی است و از سوی دیگر، افزایش مجازات ابزاری در جهت کاهش جرم تلقی می‌شود. لذا تعیین مجازات‌های سنگین پدیده‌ای معمول در نظام کیفری ایران است. اما از آنجا که این دو نگرش با مقتضیات زمان هماهنگی ندارد، تعیین مجازات در عمل با چالش مواجه شده است. به این لحاظ اجرای برخی مجازات‌های خشن چون رجم، صلب، قصاص عضو و شلاق در اکثر موارد معلق و به جای آنها از مجازات‌های دیگر مانند حبس استفاده می‌شود. همچنین بسیاری از احکام صادره اعدام در عمل اجرا نمی‌شود و مشمول تخفیف و عفو قرار می‌گیرد که اگر جز این بود، سالانه هزاران مورد اعدام داشتیم (عبدی و کلهر، ۱۳۸۸: ۱۸۷). دستگاه قضایی، برای تخفیف مشکلات، دستورالعمل‌هایی صادر کرده که موجب کاهش ورود افراد به زندان شده است. همچنین لایحه «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» را ارائه کرده است<sup>۲</sup> که جرایم چندین زندانی را دربر نمی‌گیرد، ضمن اینکه موجب تعدیل خشونت مجازات‌های اصلی نیز نمی‌شود. بنابراین، تنها راه فعلی کاهش ابعاد مجازات، رویه جاری قضایی در تعلیق یا تخفیف مجازات‌ها یا تبدیل عناوین مجازات‌های حدی به تعزیری

۱. گزارش سازمان عفو بین‌الملل مندرج در: [http://sociologyofiran.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=1015&Itemid=65](http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=1015&Itemid=65)

(May 2010)

۲. رک. سایت قوه مقننه ([www.dadiran.ir](http://www.dadiran.ir)).

کامل را به ۱۸ سال ارتقا دهند (نک. بحث طفولیت در لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی) که این خود منشأ دوگانگی میان جرایم تعزیری و سایر جرایم است. البته ضابطین و دادگاه‌ها در عمل رعایت این گروه را می‌کنند. مقایسه آمار دستگیرشدگان و زندانیان کودک مؤید این نظر است.

### جدول ۳. درصد کودکان زیر ۱۸ سال از مجموع دستگیرشدگان

نیروی انتظامی (۱۳۸۰-۱۳۸۳)

| سال                        | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ |
|----------------------------|------|------|------|------|
| درصد کودکان ۱۷ ساله و کمتر | ۶/۳  | ۵/۵  | ۵/۴  | ۵/۰  |

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، جدول ۱۳-۵

به طور متوسط، همیشه بیش از ۵ درصد دستگیرشدگان را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند، اما هنگامی که این رقم را با نسبت این گروه در میان زندانیان مقایسه کنیم که کمتر از یک درصد (۰/۷۴ درصد در دی ماه ۱۳۸۸) است،<sup>۱</sup> روشن می‌شود که کودکان دستگیر شده به نسبت ۶ تا ۷ برابر کمتر از بزرگسالان دستگیر شده کارشان به زندان می‌کشد. البته کودکان از جهات دیگر از جمله آسیب‌های اجتماعی یا بزه‌دیدگی وضعیت متفاوتی پیدا می‌کنند. برای نمونه می‌توان مورد خودکشی را مثال زد که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، از مجموع ۱۴۱۹۹ پرونده خودکشی که در نیروی انتظامی تشکیل شد، حدود ۹/۲ درصد مربوط به کودکان زیر ۱۸ سال بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، جدول ۹-۱۳). ضمن اینکه بخشی از تجاوزات و سوءاستفاده‌های جنسی، و اذیت و آزار جسمی متوجه کودکان است، و سهم آنان را از بزه‌دیدگی بسیار بالا می‌برد. در این زمینه نیز چند لایحه برای بهبود نسبی وضعیت در دستور کار حکومت است. لایحه «حمایت از بزه‌دیدگان» (رک. سایت قوه مقننه) می‌تواند کمک مؤثری به کودکان بزه‌دیده باشد. لایحه «حمایت از کودکان و نوجوانان» و نیز لایحه «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» نیز دو مورد دیگر هستند (رک. سایت خانه ملت) که کماکان در صف انتظار برای رسیدگی و تصویب نهایی‌اند.

### ۵.۳. وضعیت زنان

وضعیت زنان در مجموع مشابهت‌هایی با وضعیت کودکان دارد، گرچه از برخی جهات نیز متفاوت است. یکی از وجوه تفاوت موقعیت کیفری زن با مرد که از منظر قانون نهادینه شده و رسمیت یافته است، نصف بودن دیه زن در برابر مرد است که در بسیاری از موارد مشکل‌ساز است. اگر یک زن مردی را بکشد و محکوم به قصاص شود، خانواده مقتول می‌تواند زن را قصاص کنند، اما اگر یک مرد زنی را بکشد و محکوم به قصاص شود، خانواده مقتول در صورتی می‌تواند تقاضای قصاص کنند که نصف دیه انسان کامل را به قاتل بپردازند. این نابرابری در اکثر احکام دیات و قصاص وجود دارد. همچنین اگر پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود، اما اگر مادر چنین کند حکم آن قصاص است. در مورد روابط نامشروع هم تفاوت‌هایی وجود دارد که مآلاً زنان را با مجازات‌های سخت‌تری مواجه می‌کند، به طوری که احکام رجمی که برای زنان اجرا می‌شود چندین برابر احکام مشابه برای مردان است.

تفاوت دیگر ضعف عمومی جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و سوگیری نگاه قضایی علیه آنان است که، در مقایسه با مردان، زمینه را برای استیفای حقوق کیفری زنان ناهموار می‌کند، ضمن اینکه قوانین کیفری در ایران به گونه‌ای است که اثبات ادعاها در خصوص جرایم علیه زنان و کودکان را بسیار سخت و تاحدی غیرممکن می‌کند، به ویژه آنکه به احتمال فراوان اکثر این جرایم (اعم از ضرب و جرح و آزار جنسی) در محیط‌های خانوادگی و غیرآشکار صورت می‌گیرد. تبعات اجتماعی پیش روی زنان بزه‌دیده مشکل دیگری است که آنان را از طرح و پیگیری شکایت منصرف می‌کند، به طوری که احساس زنان نسبت به تحت حمایت قانون بودن چندان مطلوب نیست. ضعف مالی زن نیز عامل دیگری است که توان او را در پیگیری شکایات و استیفای حقوق خود کم می‌کند.

آمار تفکیکی پرونده‌های کیفری برحسب جنسیت متهمان در دسترس نیست، اما آمار تفکیکی زندانیان و بازداشت‌شدگان برحسب جنسیت وجود دارد. مطابق آمار نیروی انتظامی، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، حدود ۶/۶ درصد بازداشت‌شدگان از طرف نیروی انتظامی را زنان تشکیل می‌داده‌اند،<sup>۲</sup> اما تعداد کل زندانیان زن در

۱. سایت سازمان زندان‌ها (<http://www.prisons.ir>).

۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، جدول ۵-۱۳.

نظارت نقشی اساسی دارند. سرانجام اینکه ساخت اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که منافع قطعی ارتکاب جرم نسبت به هزینه‌های احتمالی آن برای قاطبهٔ مردم، و نه تعدادی معدود، کمتر باشد. بررسی هر کدام از موارد فوق به تعیین علل و عوامل مؤثر بر وضعیت جرم و مجازات کمک خواهد کرد:

- قوانین جزایی کنونی کشور بر مبنای برداشت‌های سنتی از اسلام تدوین شده و در بسیاری از موارد با درک عمومی جامعه انطباق کامل ندارد. در موادی هم که انطباق وجود دارد، تناسب میان جرم و مجازات یا نوع مجازات به گونه‌ای است که چالش‌های زیادی را برمی‌انگیزد. همچنین جرایم تعزیری در امور امنیتی و سیاسی به گونه‌ای است که با ذهنیت عمومی جامعه تطابق ندارد. بنابراین، تخطی از برخی افعال یا ترک افعالی که رسماً جرم نامیده می‌شود، از نظر عموم مردم یا بخش‌های مهمی از مردم، جرم به معنای اجتماعی آن تلقی نمی‌شود و در نتیجه از ارتکاب آن ابایی ندارند.

- ضعف مفرد نهادهای اجتماعی کننده موجب می‌شود که فرایند اجتماعی شدن افراد در جامعهٔ ایران با اختلال نسبی همراه باشد. در غیاب فرایند کامل اجتماعی شدن، فرد فاقد انسجام و هویت اجتماعی تثبیت یافته می‌شود، و این امر به نوبهٔ خود ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند. نمونه‌های این ضعف در کارکرد نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و دینی مشهود است.

- نظارت غیررسمی در جامعهٔ ایران به دلایل متعدد تضعیف شده است. یکی از دلایل آن فربه شدن نظارت‌های رسمی بر بسیاری از افعال فردی و اجتماعی است. با فربه و گسترده شدن نظارت رسمی، نظارت‌های غیررسمی و اجتماعی تضعیف می‌شوند. ضعف مذکور شامل نظارت‌های فردی و نهادی است. فقدان نهادهای مدنی، احزاب، مطبوعات و سندیکاها نشانهٔ مهمی از ضعف این نوع نظارت است. از سوی دیگر، به رغم آنکه نظارت رسمی بسیار وسیع و گسترده است، به علت همین گسترش، از کارایی و توانایی آن در اجرای وظایف نظارتی به شدت کاسته شده است، ضمن اینکه شیوع فساد و فقدان

دی‌ماه ۱۳۸۸، برابر با ۶۰۰۵ نفر بوده که ۳/۵ درصد کل زندانیان کشور محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> به تعبیری می‌توان گفت که آمار زندانیان زن از تعداد متهمان زن کمتر است. این پدیده یا به دلیل برخورد نرم‌تر قضات با جرایم زنان و اجتناب از صدور احکام بازداشت و زندانی طولانی‌مدت برای آنان است، یا اینکه جرایم آنان سبک‌تر است که در نتیجه مدت کمتری را در زندان می‌مانند.

دستگاه قضایی با ارائهٔ لایحهٔ حمایت از بزه‌دیدگان ممکن است زمینه را برای جبران بخشی از خسارت وارده به بزه‌دیدگان فراهم کند، که این کمکی است به زنان بزه‌دیده که تعداد آنها در مقایسه با بزه‌کاران زن بسیار بیشتر است، اما سایر مشکلات زنان از جمله نابرابری‌های حقوقی و اجتماعی موجود علیه آنان با اقدامات فعلی قابل رفع یا تخفیف نیست و چشم‌انداز روشنی هم در این مورد پیش رو نیست.

### ۶.۳. علل و عوامل مؤثر بر وضعیت

علل و عوامل مهم و اصلی مؤثر بر وضعیت جرم و مجازات در ایران را می‌توان ذیل یک الگوی کلی شناسایی و معرفی کرد. در درجهٔ اول باید فعل یا ترک فعلی که به لحاظ عینی جرم دانسته می‌شود به لحاظ ذهنی نیز به عنوان جرم مورد پذیرش جامعه باشد؛ به عبارت دیگر، مبنای تعیین جرم، وضعیت جامعه و خواست و پذیرش مردم باشد. پس از آن، نحوهٔ اجتماعی شدن در نهادهای آموزشی، ارتباطی، دین، دولت و خانواده به نحوی باشد که ارتکاب جرم از نظر فرد ضد ارزش و نامطلوب و غیراخلاقی تلقی شود. در مرحلهٔ بعد، وضعیت نظارتی برای پرهیز از ارتکاب جرم مطلوب باشد، بدین معنا که عملکرد نظارت رسمی و غیررسمی مؤثر باشد. نظارت غیررسمی از سوی نزدیکان و خانواده و جامعه و به صورت‌های مختلف از جمله طرد اجتماعی اعمال می‌شود. نظارت رسمی نیز در قالب پیشگیری از وقوع جرم و کنترل عمومی و در نهایت بازداشت و محاکمه و مجازات خود را نشان می‌دهد. کارآمدی این نوع نظارت و نیز سلامت رفتاری و اخلاقی مجریان آن و پیشرفته بودن فناوری مورد استفادهٔ آنان در ارتقای این

http://www.amar.org.ir/ Default.aspx (May 2010)

۱. سایت سازمان زندان‌ها (http://www.prisons.ir).

حاکمیت قانون، نهادهای نظارتی رسمی را زمین گیر و ناکارآمد کرده است. در مواردی هم که به وظیفه خود عمل می کنند، به علت نقض بی طرفی و رفتار ناعادلانه بخش هایی از آنها، کلیت این نهادها در مظان اتهام قرار می گیرند و نهایتاً کارایی و تأثیر مورد نظر را در جلوگیری از ارتکاب جرم ندارند.

- در کنار عوارض فوق، از میان رفتن توازن میان هزینه و فایده ارتکاب جرم، به ویژه برای بخش هایی از جامعه، موجب شده که ارتکاب بخشی از جرایم برای بخشی از مردم هزینه چندان نداشته باشد، اما منافع آن زیاد ارزیابی شود. تورم، بیکاری، فساد، نابرابری، بی عدالتی، مهاجرت و حاشیه نشینی، و طلاق هر کدام می توانند زمینه ساز ارتکاب جرم باشند. وقتی که شاخص اکثر این آسیب ها ارقام بالایی داشته باشند و به صورت مزمن درآیند، طبعاً موجب سنگینی کفه منافع ارتکاب جرم و کاهش هزینه های آن خواهد شد. نکته مهم این است که با افزایش مجازات نمی توان هزینه ارتکاب جرم را در ذهن فرد بالا برد و او را از آن بازداشت زیرا بسیاری از جرایم نسبت به مجازات کشش پذیری چندان ندارند و با افزایش مجازات، ارتکاب جرم کم نخواهد شد. لذا شیوه اصلی برای کاهش ارتکاب جرم، کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم است که معمولاً مغفول واقع می شود.

مجموعه عوامل فوق به نحوی است که بروز جرم بیش از میزان فعلی هم دور از انتظار نیست، اما شاید به دلیل وجود نهاد خانواده و کنترل و نظارتی که این نهاد در حال حاضر انجام می دهد، نسبت به وضعیتی که ممکن بود با آن مواجه شویم، در وضع مطلوب تری قرار داریم. اما مشکل اصلی این است که نهاد خانواده نیز در حال تضعیف است و آمار طلاق و قتل های خانوادگی بهترین گواه اثبات این ادعاست. نسبت (درصد) طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۱، در تهران و کل کشور، به ترتیب ۱۷/۹ و ۱۰/۳ درصد بوده است، اما این رقم در سال ۱۳۸۸، با رشد معناداری، به ترتیب ۲۶/۶ و ۱۴/۱ درصد رسیده است.<sup>۱</sup> همچنین مطالعه ای درباره

بخشی از قتل های عمد در کشور که در مطبوعات منعکس شده نشان می دهد که در فاصله سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، تعداد این قتل ها از ۱۵۹ به ۱۷۲ مورد رسیده که افزایشی ۸ درصدی را نشان می دهد، اما پرداختن به جزئیات این قتل ها نشان می دهد که قتل های خانوادگی ۳۵ درصد افزایش و سایر قتل ها ۱۱ درصد کاهش داشته است (عبدی و کلهر، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۷).

#### ۴. مقایسه با سایر کشورها

تولید و ارائه آمار دادگستری در ایران، برخلاف آمارهای جمعیتی و اقتصادی، از استاندارد مشخصی تبعیت نمی کند و بجز در مواردی چون تعداد زندانی یا احکام مرگ، نمی توان مقایسه ای معتبر میان آمار کشورها انجام داد. در مورد تعداد زندانی هم فقط می توان بر مقایسه تعداد تأکید داشت و نه مقایسه میان جرایم مختلف زیرا کم یا زیاد بودن تعداد زندانی می تواند متأثر از شدت و ضعف برخورد با مجرمین، یا تعاریف متفاوت از رفتارهای مجرمانه باشد. یکی دیگر از آمارهایی که قابل مقایسه دقیق نیست، تعداد پرونده های وارده به دادگستری است که برحسب تنوع نظام های قضایی و رسیدگی، اختلاف این آمار می تواند مفاهیم متفاوتی داشته باشد. فارغ از این تفاوت، به نظر نمی رسد که تعداد این گونه پرونده ها در ایران در سطح کشورهای دیگر باشد، و وجود بیش از ۸ میلیون پرونده در یک سال در کشوری ۷۰ میلیونی، که بخش مهمی از آنها پرونده های کیفری است، وضعیت ایران را از این حیث متمایز می کند. اما برای درک بهتر تفاوت ها می توان به سایر آمارها مراجعه کرد.

در سال ۲۰۰۳، ایران حدود ۲ درصد زندانیان دنیا را در خود جای داده بود، در حالی که جمعیت آن حدود یک درصد جمعیت جهان است و از نظر تعداد مطلق زندانی در ردیف دهم است. این در حالی است که حدود ۲۰ درصد کل زندانیان جهان در ایالات متحده بوده اند. متوسط تعداد زندانیان کشورها به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت در این سال، ۱۴۸ نفر ولی در ایران ۲۲۶ نفر بوده است که ایران را در رتبه ۳۳ در میان ۱۵۴ کشور جهان قرار می داد. بالاترین شاخص مربوط به آمریکا با رقم ۷۱۵ و سپس روسیه با

وضعیت ناخوشایندتر زندان‌های ایران از حیث تراکم است.

به لحاظ جرایم نیز امکان مقایسه دقیق میان ایران و سایر کشورها وجود ندارد. مثلاً مطابق تعریف، قتل عمد در بسیاری از کشورها درجه‌بندی می‌شود، در حالی که در ایران قتل عمد فقط یک نوع است و غیر آن مشمول مجازات‌های مهمی نخواهد شد. همچنین تعاریفی که در خصوص جرایم جنسی و روابط دو جنس وجود دارد، امکان مقایسه در این زمینه‌ها را از میان می‌برد. در سال ۲۰۰۳، متوسط شاخص سرقت به ازای هر هزار نفر جمعیت در جهان ۵/۱<sup>۴</sup> و در ایران ۳/۵<sup>۵</sup> بوده است.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ایران با سایر کشورها در زمینه مجازات‌های خشن و به طور مشخص اعدام است که در سال‌های اخیر تشدید هم شده است. به لحاظ تعداد، ایران پس از چین بیشترین اعدام را با ۳۸۸ مورد در سال ۲۰۰۹ اجرا کرده است. پس از ایران، عراق با ۱۲۰ و عربستان با ۶۹ و آمریکا با ۵۲ مورد اعدام در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.<sup>۶</sup> در مجموع به نظر می‌رسد که به لحاظ نسبت تعداد اعدام به جمعیت، ایران در رتبه اول کشورهای بزرگ قرار می‌گیرد. این شدت مجازات، در کنار مجازات‌هایی مثل شلاق، رجم، صلب، پرت کردن از کوه و قصاص عضو، موجب شده که جایگاه ایران از نظر این شاخص کاملاً متفاوت با سایر کشورها باشد.

در سال ۲۰۰۳، بالاترین نسبت زنان زندانی در کشور تایلند و برابر با ۲۰/۳ درصد بوده است. اما متوسط جهانی این شاخص ۴/۴، و مقدار آن در ایران کمابیش میان ۳ تا ۴ درصد و، در سال ۲۰۰۳، برابر ۳/۵ درصد و کمتر از متوسط جهانی بوده است. این نسبت در ترکیه ۳/۸ درصد، در روسیه ۵/۸، در عربستان ۶/۶، و در آمریکا ۸/۵ درصد بوده است که درصد زنان زندانی ایران از همه آنها کمتر است.<sup>۷</sup> در خصوص نسبت زندانیان زیر ۱۸ سال، ایران تفاوت

۵۸۴ و روسیه سفید با ۵۵۴ نفر بوده است. این شاخص در برخی کشورهای همسایه و متناظر کمتر از ایران بوده است. آذربایجان با ۱۹۸، مالزی با ۱۶۱، عربستان سعودی با ۱۱۰ و ترکیه با ۹۲ نفر زندانی به ازای هر یکصد هزار نفر در رتبه‌های پایین‌تری از ایران قرار داشته‌اند.<sup>۱</sup>

در کنار تعداد زندانیان باید شاخص نسبت زندانیان متهم را نیز مد نظر قرار داد زیرا در هر کشوری که تعداد متهمان زندانی از زندانیان کمتر باشد، از یک سو، نشانه عملکرد مثبت قضایی است اما از سوی دیگر نشان می‌دهد که زندانیان باقیمانده که محکوم هستند سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند که به معنای بالاتر بودن تعداد جرم اثبات‌شده در آن جامعه است. در سال ۲۰۰۳، به طور متوسط، ۳۴/۳ درصد کل زندانیان جهان را متهمان تشکیل می‌دادند که بدون داشتن محکومیت قطعی در زندان بوده‌اند، اما این نسبت در ایران ۲۴/۸ درصد بوده است که کمتر از رقم متوسط جهانی است. شاخص مذکور در برخی کشورهای همسایه ما حتی از متوسط جهانی هم بالاتر بوده است. در عربستان ۶۵/۸ درصد، ترکیه ۵۱ درصد و قطر ۳۵/۵ درصد از زندانیان را متهمان تشکیل می‌دهند.<sup>۲</sup> این تفاوت به معنای آن است که شاخص زندانیان دارای محکومیت قطعی که تحمل کیفر می‌کنند در ایران خیلی بیشتر از تفاوت شاخص کلی زندانیان با این کشورهاست.

شاخص مهم دیگری که باید مورد توجه باشد تراکم زندانی در ایران است. در سال ۲۰۰۳، متوسط نسبت تعداد زندانیان به ظرفیت اسمی زندان‌ها در جهان ۱۲۸ درصد بوده است. به عبارت دیگر، به ازای ظرفیت اسمی ۱۰۰ نفر، در زندان‌های جهان، رسماً ۱۲۸ نفر زندانی تحمل کیفر می‌کرده‌اند. بالاترین این شاخص در میان کشورهای شناخته‌شده‌تر متعلق به ایران و ۲۴۳ درصد است، یعنی به ازای ظرفیت ۱۰۰ نفر زندانی، در ایران، ۲۴۳ زندانی حضور دارند. این شاخص در پاکستان ۲۲۳ درصد، در هند ۱۳۶، در ترکیه ۹۱، در روسیه ۹۰، و در آذربایجان ۶۶ درصد بوده است<sup>۳</sup> که نشان‌دهنده

prisoners-share-prison-capacity-filled (May 2010)

4. [http://www.nationmaster.com/graph/cr\\_i\\_bur\\_percap-crime-burglaries-per-capita](http://www.nationmaster.com/graph/cr_i_bur_percap-crime-burglaries-per-capita) (May 2010)

۵. دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.

۶. گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل مندرج در:

<http://www.bbc.co.uk/go/WSY/pub/email/ft/-/persian/iran/>

2010/03/100330\_103\_amnesty\_iran\_execution.shtml (May 2010)

7. [http://www.nationmaster.com/graph/cr\\_i\\_pri\\_fem-crime-prisoners-](http://www.nationmaster.com/graph/cr_i_pri_fem-crime-prisoners-)

1. [http://www.nationmaster.com/red/graph/cr\\_i\\_pri\\_per\\_cap-crime-prisoners-per-capita&b\\_map=1#](http://www.nationmaster.com/red/graph/cr_i_pri_per_cap-crime-prisoners-per-capita&b_map=1#) (May 2010)

2. [http://www.nationmaster.com/graph/cr\\_i\\_pri\\_pre\\_tri\\_det-crime-prisoners-pre-trial-detainees](http://www.nationmaster.com/graph/cr_i_pri_pre_tri_det-crime-prisoners-pre-trial-detainees) (May 2010)

3. [http://www.nationmaster.com/graph/cr\\_i\\_pri\\_sha\\_of\\_pri\\_cap\\_fil-](http://www.nationmaster.com/graph/cr_i_pri_sha_of_pri_cap_fil-)

## منابع

- دادگستری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳)، گزارش عملکرد دادگستری‌های کل کشور (۱۳۸۲-۱۳۷۸)، تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱)، درباره تقسیم کار/ اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چ ۳، تهران، نشر مرکز.
- شریف باقری، محمدجواد. (۱۳۸۷)، شوراهای حل اختلاف (۳)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های فقهی و حقوقی.
- عبدی، عباس و سمیرا کلهر. (۱۳۸۸)، مجموعه مقالات جامعه‌شناختی درباره جرم، مجرم و مجازات در ایران، تهران، نشر علم.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۸۶).
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۵)، فلسفه حقوق، ماهیت و تعریف حقوق، ج ۱، تهران، انتشارات بهشهر.
- لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی به مجلس شورای اسلامی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷)، سالنامه آماری کشور (۱۳۸۶)، تهران.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا). (۱۳۸۴)، پیمایش ملی، فرهنگی، سیاسی مردم ایران، موج اول، تهران.
- میری دلماس، مارتی. (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ج ۱، ترجمه علی حسینی نجفی ابرآبادی، تهران، میزان.
- نولان، پاتریک و گرهارد لنسکی. (۱۳۸۰)، جامعه‌های انسانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

چندانی با کشوری چون ایالات متحده ندارد. در ایران ۰/۷ درصد از کل زندانیان را این گروه سنی تشکیل می‌دهند،<sup>۱</sup> در ایالات متحده هم ۰/۵ درصد زندانیان افراد زیر ۱۸ سال هستند. اما به دلیل وجود قانون قصاص و نیز سن مسئولیت کیفری ۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران، در ایران شاهد اعدام افراد زیر ۱۸ سال هم هستیم، در حالی که کنوانسیون حقوق کودک مبنی بر منع مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال را اکثر کشورها پذیرفته‌اند.

## ۵. نتیجه‌گیری

آنچه درباره وضعیت دادرسی و جرم و مجازات در ایران می‌توان گفت این است که، از یک سو، نگاه ایدئولوژیک حاکم بر سیاست کیفری موجب می‌شود که راه سیاست‌گذاری در این زمینه‌ها به طور نسبی بسته شود. ضمن اینکه چنین نگاهی به تشدید شکاف میان هنجار قانون با وضعیت و ساختار اجتماعی و نیز با اولویت‌های ارزشی مردم می‌انجامد. از سوی دیگر، تحولات سریع اجتماعی، نابسامانی در تطبیق انتظارات و امکانات، رشد سریع جمعیت در سال‌های اولیه انقلاب، نارسایی‌های اقتصادی از جمله بیکاری و تورم، در کنار فقدان نهادهای نظارتی عمومی (رسانه‌ها، احزاب، انجمن‌ها و...) موجب شده است که نظم رفتاری مناسب شکل نگیرد و حل و فصل اختلافات ناشی از این بی‌نظمی اکثراً به دستگاه قضایی منتقل شود و این دستگاه را با تعداد زیادی پرونده کیفری و حقوقی و مدنی مواجه سازد که خارج از توان و طبیعت رسیدگی قضایی است، و حتی موجب شده است که سلامت رسیدگی و دادخواهی تحت تأثیر عوامل غیرحقوقی قرار گیرد. همچنین تطابق نداشتن قوانین کیفری با ساخت اجتماعی و اقتصادی و ارزش‌های غالب مردم به مرور زمان شدیدتر می‌شود. این مسئله هم در اصل جرایم و هم در نوع کیفرها قابل مشاهده است و تا وقتی که تغییری کلی در فلسفه رسمی جرم و مجازات و نیز نگاه ایدئولوژیک حاکم بر این موضوع پیدا نشود، این شکاف شدیدتر هم خواهد شد.

